

**یمانی کیست؟ و ویژگی‌هایش کدام است؟**

**آیا او اهل یمن است؟**



بخشی از کتاب متشابهات جلد چهارم سوال ۱۴۴ نوشته:

سید أحمد الحسن علیه السلام

وصی و رسول الإمام المهدي علیه السلام

۱۳ رجب ۱۴۲۶ هـ ق

متن و ترجمه

سؤال / ۱۴۴: السيد أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي (ع) :  
من هو اليماني؟ وهل هناك حدود لهذه الشخصية يعرف بها صاحبها؟ وهل هو من اليمن؟ وهل هو معصوم بحيث لا يدخل الناس في باطل ولا يخرجهم من حق، وكما ورد في الرواية عن الباقر (ع) : (إن رايته راية هدى، ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار، لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم)؟

پرسش ۱۴۴: سيد احمد الحسن، وصي و فرستاده‌ی امام مهدی (ع):  
یمانی کیست؟ و آیا این شخصیت ویژگی‌ها و اوصافی دارد که با آن شناخته شود؟ و آیا او اهل یمن است؟ آیا او همان‌طور که در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده که آن حضرت فرمودند: (پرچم او، پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی حلال نیست که از او روی برگرداند، و کسی که چنین کند اهل آتش است؛ چرا که او به حق و به راه مستقیم دعوت می‌کند). معصوم است به گونه‌ای که مردم را وارد باطل نکند و از حق خارج نسازد؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين  
يجب أولاً معرفة أن مكة من تهامة، وتهامة من اليمن، فمحمد وآل محمد (ع) كلهم يمانية، فمحمد (ص) يمانى، وعلي (ع) يمانى والإمام المهدي (ع) يمانى، والمهديون الإثنا عشر يمانية، والمهدي الأول يمانى، وهذا ما كان يعرفه العلماء العاملون الأوائل (رحمهم الله)، (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا). وقد سَمَّى العلامة المجلسي (رحمه الله) في البحار كلام أهل البيت (ع) بـ (الحكمة اليمانية)، بل ورد هذا عن رسول الله (ص)، كما وسمَّى عبد المطلب (ع) البيت الحرام بـ (الكعبة اليمانية).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليمًا.  
اولاً باید دانست که مکه از تهامه است و تهامه از یمن؛ بنابراین محمد و آل محمد (ع) جملگی یمانی هستند: حضرت محمد (ص) یمانی است<sup>۱</sup>، علی (ع) یمانی است، امام مهدی (ع) یمانی است، مهدیین دوازده‌گانه (ع) یمانی‌اند و مهدی اول (ع) یمانی است. این نکته‌ای است که علمای عامل پیشین می‌دانسته‌اند: (آنگاه پس از آنان جانشینانی بر جای ماندند که نماز را تباه ساختند و از هوس‌ها پیروی کردند، و به زودی گمراهی را خواهند دید).<sup>۲</sup> علامه مجلسی (ره) در بحار، سخن اهل بیت (ع) را «حکمت

<sup>۱</sup> - از رسول خدا (ص): «... برترین مردمان از اهل یمن‌اند؛ ایمان یمانی است و من یمانی هستم...». بحار الانوار: ج ۵۷ ص ۲۳۲؛ اصول شانزده‌گانه: ص ۸۱  
<sup>۲</sup> - مریم: ۵۹.

یمانیه» نامیده است<sup>۳</sup> و حتی گفته این موضوع از پیامبر خدا (ص) نقل شده است<sup>۴</sup>؛ همان طور که عبدالمطلب (ع) بیت الحرام را «کعبه‌ی یمانیه» نام نهاده است.<sup>۵</sup>

أما بالنسبة لحدود شخصية اليماني:

فقد ورد في الرواية عن الباقر (ع) : (وليس في الرايات راية أهدي من راية اليماني، هي راية هدى؛ لأنه يدعو إلى صاحبكم، فإذا خرج اليماني حرم بيع السلاح على الناس وكل مسلم، وإذا خرج اليماني فانهض إليه، فإن رايته راية هدى، ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار؛ لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم). وفيها:

أولاً: (لا يحل لمسلم أن يلتوي عليه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار) : وهذا يعني أن اليماني صاحب ولاية إلهية، فلا يكون شخص حجة على الناس، بحيث إن إعراضهم عنه يدخلهم جهنم وإن صلوا وصاموا، إلا إذا كان من خلفاء الله في أرضه، وهم أصحاب الولاية الإلهية من الأنبياء والمرسلين والأئمة والمهديين. ثانياً: (أنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم) : والدعوة إلى الحق والطريق المستقيم، أو الصراط المستقيم تعني: أن هذا الشخص لا يخطأ فيدخل الناس في باطل أو يخرجهم من حق، أي إنه معصوم منصوص العصمة، وبهذا المعنى يصبح لهذا القيد أو الحد فائدة في تحديد شخصية اليماني.

أما افتراض أي معنى آخر لهذا الكلام (يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم)، فإنه يجعل هذا الكلام منهم (ع) بلا فائدة، فلا يكون قيماً ولا حداً لشخصية اليماني، وحاشاهم (ع) من ذلك.

اما در خصوص اوصاف و ویژگی های شخصیت یمانی:

در روایت از امام باقر(ع) آمده است: (در میان پرچم‌ها پرچمی هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی نیست، پرچم هدایت، همان است زیرا به سوی صاحبان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح را بر مردم و بر هر مسلمانی تحریم می‌نماید. چون یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب، زیرا پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کند؛ هر کس چنین کند، اهل آتش (جهنم) است؛ چرا که او به حق و راه مستقیم فرامی‌خواند).<sup>۶</sup> که در این حدیث:

اول: (بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کند؛ هر کس چنین کند، اهل آتش (جهنم) است): و این به آن معنا است که یمانی صاحب ولایت الهی است. آری کسی بر مردم حجّت نیست به گونه‌ای که

<sup>۳</sup> - مراجعه کنید به مقدمه‌ی بحار الانوار: ج ۱ ص ۱.

<sup>۴</sup> - رسول خدا(ص) فرمود: «ایمان، یمانی است و حکمت، یمانی است». کافی: ج ۸ ص ۷۰ ح ۲۷.

<sup>۵</sup> - رجوع نمایید به بحار الانوار: ج ۲۲، ۵۱ و ۷۵. همچنین خداوند متعال در مناجاتش با عیسی(ع) در توصیف حضرت محمد(ص)، کعبه را کعبه‌ی یمانی توصیف می‌فرماید، آنجا که می‌فرماید: «... ای عیسی! دینش خنفی و قبله‌اش یمانی است. او از حزب من است و من با او هستم...». کافی: ج ۸ ص ۱۳۹.

<sup>۶</sup> - غیبت نعمانی: ص ۲۶۴.

سرپیچی از او آنها را وارد جهنم سازد حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرند<sup>۷</sup> مگر اینکه آن شخص از جانشینان خداوند بر زمینش باشد؛ و اینان صاحبان ولایت الهی، انبیاء، فرستادگان، ائمه و مهدیین می‌باشند. دوم: (او به حق و راه مستقیم فرامی‌خواند): دعوت و فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم به آن معناست که این شخص دچار خطا نمی‌شود تا مردم را به باطل بکشاند یا آنها را از حق خارج سازد؛ به عبارت دیگر او معصومی است که بر عصمتش نص و تصریح وارد شده، و به این معنا، چنین قید یا محدودیتی، شاخصی برای مشخص نمودن شخصیت یمانی مشخص می‌نماید.

اما فرض گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن (او به حق و راه مستقیم فرامی‌خواند) این گفته‌ی معصومین (ع) را عبث و بی‌فایده می‌سازد و در نتیجه قید و حدی برای شخصیت یمانی بر جای نمی‌گذارد و این بسی از ساحت این حضرات معصوم (ع) به دور است!

النتیجة مما تقدم في أولاً وثانياً:

إن الیمانی حجة من حجج الله في أرضه ومعصوم منصوص العصمة، وقد ثبت بالروایات المتواترة والنصوص القطعية الدلالة أن الحجج بعد الرسول محمد (ص) هم الأئمة الإثنا عشر (ع) وبعدهم المهديون الإثنا عشر، ولا حجة لله في الأرض معصوم غيرهم، وبهم تمام النعمة وكمال الدين وختم رسالات السماء، وقد مضى منهم (ع) أحد عشر إماماً، وبقي الإمام المهدي (ع) والاثنا عشر مهدياً، والیمانی يدعو إلى الإمام المهدي (ع) فلا بد أن يكون الیمانی أول المهديين؛ لأن الأحد عشر مهدياً بعده هم من ولده: (ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)، وبأتون متأخرين عن زمن ظهور الإمام المهدي (ع)، بل هم في دولة العدل الإلهي، والثابت أن أول المهديين هو الموجود في زمن ظهور الإمام المهدي (ع) وهو أول المؤمنين بالإمام المهدي (ع) في بداية ظهوره وتحركه، لتهيئة القاعدة للقيام، كما ورد في وصية رسول الله (ص). ومن هنا ينحصر شخص الیمانی بالمهدي الأول من الإثني عشر مهدياً.

از آنچه در دو مورد اول و دوم ارائه شد به این نتیجه می‌رسیم که:

یمانی (ع)، حجتی از حجت‌های خدا در زمینش است، معصوم بوده و بر عصمتش نص و تصریح وارد

<sup>۷</sup> - و چنین مفهومی از تطبیق دادن حدیث امام باقر (ع) در روایت یمانی برداشت می‌شود؛ اینکه ایشان (ع) بیان می‌فرمایند آتش، مقصد هر کسی است که از یمانی سرپیچی کند؛ فرقی نمی‌کند که این نافرمان، نماز بخواند، روزه بگیرد، .... یا خیر! همچنین روایات تأکید می‌کنند هیچ کس از اهل آتش نمی‌شود مگر اینکه امامی منصوب از سوی خداوند متعال را انکار نماید؛ از جمله: از ابا جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: «به طور قطع هر کسی را که در اسلام به ولایت پیشوای ستمگری که از جانب خدا نباشد گردن نهند، عذاب خواهیم نمود؛ هر چند آن فرد در کارهای خویش نیک و پرهیزگار باشد، و از هر کسی که در قلمرو اسلام به حاکمیت هر امام عادل که از جانب خداوند باشد تن دهد قطعاً درمی‌گذرد؛ هر چند آن فرد در کارهای خویش ستمکار و گنهکار باشد». کافی: ج ۱ ص ۳۷۶. و از ابا عبد الله (ع) روایت شده است که فرمود: «خداوند از عذاب کردن امتی که به پیشوایی که از جانب خداوند نباشد، گردن نهد، حیا نمی‌کند هر چند در اعمالشان نیک و پرهیزگار باشند و خداوند از عذاب کردن امتی که به امام منصوب از سوی خدا گردن نهد، حیا می‌کند هر چند در اعمالشان ستمکار و گنهکار باشند». کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

شده است، و با روایات متواتر و متون قطعی الدلالة ثابت شده که حجت‌های پس از پیامبر خدا حضرت محمد(ص)، دوازده امام(ع) و پس از آنها دوازده مهدی(ع) هستند و بر زمین غیر از آنها هیچ معصوم و حجت‌ خدایی وجود ندارد؛ با آنها نعمت کامل می‌گردد؛ دین، کمال می‌یابد و رسالت‌های آسمان دوازده مهدی(ع) باقی مانده‌اند. یمانی(ع) به امام مهدی(ع) فرامی‌خواند؛ پس ناگزیر یمانی(ع)، اولین مهدیین(ع) است؛ چرا که یازده مهدی(ع) پس از او(ع) از فرزندان او(ع) می‌باشند: **فرزندانی، برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده، و خداوند شنوا و دانا است**؛<sup>۸</sup> و آنها(ع) پس از زمان ظهور امام مهدی(ع) می‌آیند و در دولت عدل الهی حاضر خواهند بود. ثابت شده است که نخستین مهدیین(ع)، در زمان ظهور امام مهدی(ع) وجود دارد و او نخستین مؤمنان به امام مهدی(ع) در سرآغاز ظهور و حرکت امام می‌باشد تا مقدمات پایگاه قیام را فراهم سازد همان گونه که در وصیت پیامبر خدا(ص) آمده است. و از اینجا شخصیت یمانی(ع) منحصر و محدود می‌گردد به اینکه مهدی اول(ع) از مهدیین دوازده گانه(ع) می‌باشد.

والمهدي الأول بينت روایات أهل البيت (ع) اسمه وصفاته ومسكنه بالتفصيل، فاسمه أحمد وكنيته عبد الله - أي إسرائيل - أي إن الناس يقولون عنه إسرائيلي قهراً عليهم، ورغم أنوفهم. وقال رسول الله (ص) : (أسمي أحمد وأنا عبد الله أسمى إسرائيل فما أمره فقد أمرني وما عناه فقد عناني). والمهدي الأول هو أول الثلاث مائة وثلاثة عشر، وهو: (من البصرة) و (في خده الأيمن أثر) و (في رأسه حزاز) و (جسمه كجسم موسى بن عمران (ع))، و (في ظهره ختم النبوة) و (فيه وصية رسول الله (ص)) و (هو أعلم الخلق بعد الأئمة بالقرآن والتوراة والإنجيل) و (عند أول ظهوره يكون شاباً)، قال رسول الله (ص) : (... ثم ذكر شاباً، فقال: إذا رأيتموه فبايعوه فإنه خليفة المهدي).

روایت‌های اهل بیت(ع)، نام، ویژگی‌ها و محل سکونت مهدی اول(ع) را به تفصیل بیان داشته‌اند، و اینکه اسم او احمد و کنیه‌اش عبدالله - یعنی اسرائیل - است؛ یعنی مردم به ناچار و بر خلاف میلشان، او را اسرائیلی می‌نامند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: **(نامم احمد است و من بنده‌ی خدا هستم. اسمم اسرائیل است؛ هر چه به او امر فرمود، مرا نیز امر کرد و هر چه او به او نمایاند، مرا نیز نمایاند)**.<sup>۹</sup> مهدی اول(ع)، نخستین نفر از سیصد و سیزده تن است و او(ع) از بصره می‌باشد، در گونه‌ی راستش نشانه‌ای است، در سرش شوره دارد، بدنش مانند بدن موسی بن عمران(ع) می‌باشد و در پشتش ختم نبوت است، وصیت رسول خدا(ص) در مورد او(ع) است، او(ع) پس از ائمه(ع) داناترین مردم به قرآن، تورات و انجیل است، و در ابتدای ظهورش جوان می‌باشد. پیامبر خدا(ص) فرمودند: **(... سپس در مورد جوانی سخن راند و فرمود:**

<sup>۸</sup> - آل عمران: ۳۴.

<sup>۹</sup> - تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۴۴، البرهان: ج ۱ ص ۹۵، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۱۷۸.

هنگامی که او را دیدید با او بیعت کنید زیرا او خلیفه‌ی مهدی است.<sup>۱۰</sup>

عن أبي عبد الله (ع) عن آبائه عن أمير المؤمنين (ع) قال: (قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلی (ع) یا ابا الحسن أحضر صحيفة ودواة فأملی رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال: یا علی انه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت یا علی أول الإثني عشر إمام، وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن (ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد (ص) فذلك اثنا عشر إماماً. ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين، له ثلاثة أسامي: اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله و أحمد، والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين).

از ابو عبد الله (ع) از پدرانش (ع) از امیر المؤمنین (ع) نقل شده است که فرمودند: (پیامبر خدا (ص) در شبی که وفاتش بود به علی (ع) فرمودند: یا ابا الحسن (ع)، صحیفه و دواتی حاضر کن. پیامبر خدا (ص) وصیتش را املاً فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی (ع) پس از من دوازده امام (ع) خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، نخستین دوازده امامی و حدیث را ادامه می‌دهد تا اینکه می‌فرماید: حسن خلافت را به پسرش م ح م د که حافظ دین آل محمد (ع) است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهديين) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان است).<sup>۱۱</sup>

وعن الصادق (ع) أنه قال: (إن منا بعد القائم اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)). وعن الصادق (ع) قال: (إن منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)). وفي هذه الرواية القائم هو المهدي الأول وليس الإمام المهدي (ع)؛ لأن الإمام (ع) بعده اثنا عشر مهدياً.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: (از نسل ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان حسین (ع) خواهند بود).<sup>۱۲</sup> از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: (از نسل ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین (ع) خواهند بود).<sup>۱۳</sup> در این روایت قائم (ع) همان مهدی اول است نه امام مهدی (ع) چون بعد از امام مهدی (ع) دوازده مهدی (ع) خواهند بود.

۱۰ - بشارت الاسلام: ص ۳۰؛ در إمتاع أسماع - مقریزی: ج ۱۲ ص ۲۹۶ در روایت آمده است: «پس هنگامی که او را دیدید، با او بیعت کنید

حتی اگر سینه‌خیز بر روی برف و یخ باشد که او خلیفه‌ی مهدی است».

۱۱ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷؛ غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ غایة المراد: ج ۲ ص ۲۴۱.

۱۲ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸؛ برهان: ج ۳ ص ۳۱۰؛ غیبت طوسی: ص ۳۸۵.

۱۳ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۵.

وقال الباقر (ع) في وصف المهدي الأول: (... ذاك المشرب حمرة، الغائر العينين المشرف الحاجبين العريض ما بين المنكبين برأسه حزاز و بوجهه أثر رحم الله موسى). وعن أمير المؤمنين (ع) في خبر طويل: (... فقال (ع) : ألا وإن أولهم من البصرة وآخرهم من الأبدال ...). وعن الصادق (ع) في خبر طويل سمى به أصحاب القائم (ع) : (... ومن البصرة .. أحمد ..). وعن الإمام الباقر (ع) أنه قال: (... له - أي للقائم - اسمان اسم يخفى واسم يعلن، فأما الذي يخفى فأحمد، وأما الذي يعلن فمحمد). وأحمد هو اسم المهدي الأول ومحمد اسم الإمام المهدي (ع) كما تبين من وصية رسول الله (ص). وعن الباقر (ع) : (إن الله تعالى كنزاً بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفاً بخراسان شعارهم: " أحمد أحمد "، يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء، عليه عصابة حمراء، كأني أنظر إليه عابر الفرات، فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبواً على الثلج)، وأحمد هو اسم المهدي الأول.

امام باقر(ع) در وصف مهدی اول (ع) فرموده است: (... دارای قرمزى صورت، چشم‌های گود، ابروهای برجسته، فراخ و پهنی میان دو شانه، در سرش شوره و در صورتش اثری است، رحمت خدا بر موسی باد).<sup>۱۴</sup> و از امیرمؤمنان(ع) در خبری طولانی روایت شده است: (... فرمود: آگاه باش که اولین آنها از بصره و آخرین آنها از ابدال است...).<sup>۱۵</sup> و از امام صادق(ع) در خبری طولانی که اصحاب قائم(ع) را نام برده است، روایت شده است: (... و از بصره... احمد...).<sup>۱۶</sup> و از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: (او - یعنی قائم - دو اسم دارد، اسمی مخفی و اسمی آشکار؛ اما اسمی که پنهان می ماند احمد و اسمی که آشکار می شود محمد است)<sup>۱۷</sup>، و احمد، اسم مهدی اول و محمد اسم امام مهدی(ع) است، همان طور که از وصیت رسول خدا(ص) آشکار شده است. از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: (خداوند متعال گنجی در طالقان دارد که نه از طلا است و نه از نقره؛ دوازده هزار در خراسان که شعارشان «احمد احمد» است و رهبری آنها را جوانی از بنی هاشم که سوار بر قاطری خاکستری است و پیشانی بند قرمز رنگ دارد، بر عهده دارد. گویی به او می نگریم که فرات را می گذرد و اگر شنیدید، به سوی او بشتابید حتی اگر سینه خیز بر یخ و برف باشد)<sup>۱۸</sup>، و احمد، اسم مهدی اول می باشد.

وفي كتاب الملاحم والفتن: (قال أمير الغضب ليس من ذي ولا ذهو لكنهم يسمعون صوتاً ما قاله إنس ولا جان بايعوا فلاناً باسمه ليس من ذي ولا ذهو ولكنه خليفة يمانى). وفي الملاحم والفتن للسيد بن طاووس الحسنى: (فيجتمعون وينظرون لمن يباعونه فيبناهم كذلك إذا سمعوا صوتاً ما قال إنس ولا جان بايعوا

۱۴ - غيبت نعماني: ص ۲۱۵.

۱۵ - بشارت الاسلام: ص ۱۴۸.

۱۶ - بشارت الاسلام: ص ۱۸۱.

۱۷ - كمال الدين و تمام النعمت: ج ۲ ص ۶۵۳ ب ۵۷.

۱۸ - منتخب الانوار المضيئه: ص ۳۴۳.



فلاناً باسمه لیس من ذی ولا ذه ولکنه خلیفه یمانی). وروی الشیخ علی الکورانی فی کتاب معجم احادیث الإمام المهدي (ع) : (ما المهدي إلا من قریش ، وما الخلافة إلا فيهم غير أن له أصلاً ونسباً في اليمن)، وبما أن المهدي الأول من ذرية الإمام المهدي (ع) فلا بد أن يكون مقطوع النسب؛ لأن ذرية الإمام المهدي (ع) مجهولون، وهذه الصفات هي صفات اليماني المنصور وصفات المهدي الأول؛ لأنه شخص واحد كما تبين مما سبق.

در کتاب ملاحم و الفتن: (گفت امیر غضب، نه از این است و نه از آن، اما صدایی می‌شنوند که نه انسانی گفته است و نه جنی، که با فلانی بیعت کنید، به اسمش که نه از این است و نه از آن، لیکن او خلیفه‌ی مهدی است).<sup>۱۹</sup> و در کتاب ملاحم و الفتن سید بن طاووس حسنی آمده است: (پس گرد می‌آیند و چشم انتظار کسی می‌شوند که بیعتش کنند. پس در این بین ناگاه صدایی می‌شنوند که نه انسانی گفته است و نه جنی، که بیعت کنید با فلانی، به اسمش که نه از این است و نه از آن، لیکن او خلیفه‌ی یمانی است).<sup>۲۰</sup> شیخ علی کورانی در کتاب معجم احادیث امام مهدی (ع) روایت کرده است: (مهدی نیست مگر از قریش و خلافتی نیست مگر در قریش، به جز آنکه او اصل و نسبی در یمن دارد).<sup>۲۱</sup> و از آنجا که مهدی اول (ع) از فرزندان امام مهدی (ع) است، به ناچار مقطوع النسب می‌باشد (نسبی ناشناخته و مبهم داشته باشد)؛ چرا که فرزندان امام مهدی (ع) گمنامند و اینها صفات یمانی منصور و صفات مهدی اول می‌باشد؛ زیرا اینها (در واقع) یک نفر هستند، همان طور که این مطلب پیش‌تر روشن گردید.

وإن أردتَ المزيدَ فأقول: إن اليماني ممهّد في زمن الظهور المقدس ومن الثلاث مائة وثلاث عشر ويسلم الراية للإمام المهدي، والمهدي الأول أيضاً موجود في زمن الظهور المقدس، وأول مؤمن بالإمام المهدي (ع) في بداية ظهوره وقبل قيامه، فلا بد أن يكون أحدهما حجة على الآخر، وبما أن الأئمة والمهديين حجج الله على جميع الخلق والمهدي الأول منهم فهو حجة على اليماني إذا لم يكونا شخصاً واحداً، وبالتالي يكون المهدي الأول هو قائد ثورة التمهيد فيصبح دور اليماني ثانوياً بل مساعداً للقائد، وهذا غير صحيح لأن اليماني هو الممهّد الرئيسي وقائد حركة الظهور المقدس، فتحتم أن يكون المهدي الأول هو اليماني واليماني هو المهدي الأول.

و اگر بیشتر بخواهی اضافه می‌کنم که یمانی، بستر ساز در زمان ظهور مقدس و جزو سیصد و سیزده نفر می‌باشد و پرچم را به امام مهدی (ع) تسلیم می‌کند، و مهدی اول (ع) نیز در زمان ظهور مقدس موجود است و نخستین مؤمن به امام مهدی (ع) در سرآغاز ظهور و پیش از قیام آن حضرت (ع) می‌باشد. بنابراین

<sup>۱۹</sup> - ملاحم و الفتن سید بن طاووس حسنی: ص ۲۷.

<sup>۲۰</sup> - ملاحم و الفتن: ص ۸۰.

<sup>۲۱</sup> - معجم احادیث امام مهدی (ع): ج ۱ ص ۲۹۹.



ناگزیر باید یکی از آنها بر دیگری حجت باشد و از آنجا که ائمه (ع) و مهدیین (ع) حجت‌های خدا بر جمیع خلق هستند و مهدی اول (ع) از آنها است، لذا او حجت بر یمانی است؛ اگر این دو یکی نباشند. در نتیجه مهدی اول (ع)، فرمانده انقلاب زمینه‌سازی ظهور است و از همین رو نقش یمانی، ثانوی و حتی دستیار فرمانده می‌باشد و این درست نیست چرا که یمانی، بستر ساز اصلی و فرمانده حرکت ظهور مقدس می‌باشد و به ناچار لازم می‌آید که مهدی اول همان یمانی، و یمانی همان مهدی اول (ع) باشد.

وبهذا يكون اليماني: (اسمه أحمد، ومن البصرة، وفي خده الأيمن أثر، وفي بداية ظهوره يكون شاباً، وفي رأسه حزاز، وأعلم الناس بالقرآن وبالتوراة والإنجيل بعد الأئمة، ومقطوع النسب، ويلقب بالمهدي، وهو إمام مفترض الطاعة من الله، ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار، ويدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم ويدعو إلى الإمام المهدي (ع) و... و...)، وكل ما ورد من أوصاف المهدي الأول في روايات محمد وآل محمد (ع)، فراجع الروايات في كتاب غيبة النعماني وغيبة الطوسي وإكمال الدين والبحار، وغيرها من كتب الحديث. ويبقى أن كل أتباع اليماني من الثلاث مائة والثلاثة عشر أصحاب الإمام (ع) هم يمانيون؛ باعتبار انتسابهم لقائدهم اليماني، ومنهم يمانی صنعاء ویمانی العراق.

بر این اساس یمانی چنین است: (نامش احمد است، از بصره است، در گونه‌ی راستش نشانه و اثری است، در ابتدای ظهورش جوان است، در سرش شوره، پس از ائمه داناترین مردم به قرآن، تورات و انجیل است، مقطوع النسب می‌باشد، مُلقَّب به مهدی است، او امام واجب الاطاعت از سوی خداوند است، بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او روی برگرداند و اگر کسی چنین کند از اهل آتش است، او به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند و به سوی امام مهدی (ع) فرا می‌خواند و... و...، و دارای تمام اوصاف و ویژگی‌های مهدی اول که در روایات محمد و آل محمد (ع) آمده است. به روایات کتاب‌های غیبت نعمانی، غیبت طوسی، اكمال الدين، بحار ۲، و دیگر کتب حدیث مراجعه نمایید. مطلب دیگری که باقی مانده این است که تمام پیروان یمانی از سیصد و سیزده صحابی امام (ع) یمانی هستند؛ از این جهت که آنها به فرماندهی یمانی‌شان منتسب می‌باشند؛ از جمله‌ی ایشان یمانی صنعاء و یمانی عراق می‌باشد.

(كَلَاً وَالْقَمَرَ \* وَاللَّيْلَ إِذْ أَدْبَرَ \* وَالصُّبْحَ إِذَا أَسْفَرَ \* إِنَّهَا لِإِخْدَى الْكُبْرِ \* نَذِيرًا لِلْبَشَرِ \* لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ \* كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ \* إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ \* فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ الْمُجْرِمِينَ \* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ \* وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمُسْكِينِ \* وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ \* وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيُّومَ الدِّينِ \* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ \* فَمَا تَتَّعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ \* فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ \* كَانَهُمْ حُمُرٌ مَّسْتَفِيرَةٌ \* فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ \* بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُنشَرَّةً \* كَلَّا بَلْ

لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ \* كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ \* فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ \* وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ).

(آری، سوگند به ماه \* و سوگند به شب، چون روی در رفتن آرد \* و سوگند به صبح، چون پرده برافکند \* که این یکی از حادثه‌های بزرگ است \* ترساننده‌ای برای آدمیان است \* برای هر کس از شما که خواهد پیش افتد یا از پی رود \* هر کس در گرو عملی است که انجام داده است \* مگر اصحاب یمن \* که در بهشت‌ها می‌پرسند \* از گناهکاران \* که چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ \* گویند: ما از نماز گزاران نبودیم، \* و مسکین را طعام نمی‌دادیم، \* و با آنان که سخن باطل می‌گفتند هم آواز می‌شدیم، \* و روز دین را دروغ می‌انگاشتیم، \* تا یقینمان فرارسید \* پس شفاعت کنندگان سودشان نبخشید \* آنها را چه شده است که از این پند، روی می‌گردانند؟ \* گویا خران وحشی‌اند \* که از شیر می‌گریزند \* بلکه هر یک از ایشان می‌خواهد نامه‌هایی گشاده به او داده شود \* به هیچ وجه، بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند \* آری، که آن، اندرزی است \* هر که خواهد، از آن پند گیرد \* و پند نمی‌گیرند مگر اینکه خدا بخواهد؛ او شایسته‌ی آن است که از او بترسند، و او سزاوار مغفرت و آمرزش است).<sup>۳۳</sup>

(والقمر): الوصي. (والليل): دولة الظالمين. (والصبح): فجر الإمام المهدي (ع)، وبداية ظهوره بوصيه كبداية شروق الشمس، لأنه هو الشمس. (إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى): أي القيامة الصغرى. والوقعات الإلهية الكبرى ثلاث هي: القيامة الصغرى، والرجعة، والقيامة الكبرى. (نَذِيرًا لِلْبَشَرِ): أي منذر، وهو الوصي والمهدي الأول (اليماني)، يرسله الإمام المهدي (ع) بشيراً ونذيراً بين يدي عذاب شديد، ليتقدم من شاء أن يتقدم، ويتأخر من شاء أن يتأخر عن ركب الإمام المهدي (ع). (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ): وهذا واضح فكل إنسان يحاسب على عمله، (إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ)، وهؤلاء مستثنون من الحساب وهم: المقربون وهم أصحاب اليماني الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي (ع)، يدخلون الجنة بغير حساب، قال تعالى: (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ \* فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ)، (فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ الْمُجْرِمِينَ \* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ)، أي لم نك من الموالين لولي الله، وخليفته ووصي الإمام المهدي (ع) والمهدي الأول (اليماني الموعود)، فاليماني (لا يحل لمسلم أن يلتوي عليه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار).

(وَالْقَمَرِ) وصي، (وَاللَّيْلِ) دولت ستمگران است و (وَالصُّبْحِ) سپیده دم امام مهدی (ع) و آغاز ظهور آن حضرت از طریق وصی‌اش می‌باشد؛ همانند ابتدای برآمدن خورشید؛ چرا که آن حضرت، خود خورشید است. (إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى) (این یکی از حادثه‌های بزرگ است): یعنی قیامت صغری. ایام بزرگ الهی سه

تا هستند که عبارت اند از: قیامت صغری، رجعت و قیامت کبری. <sup>۲۴</sup> (نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ) (ترساننده‌ای برای آدمیان است): یعنی بیم دهنده است و او، وصی و مهدی اول (یمانی) می‌باشد که امام مهدی (ع) او را برای بشارت و بیم دادن و ترسانیدن پیش از عذاب شدید می‌فرستد تا هر که خواهد پیشی جوید، پیشی جوید و هر که خواهد از همراهی با امام مهدی (ع) بازایستد، بازایستد. <sup>۲۵</sup> (هر کس در گرو عملی است که انجام داده است): و این واضح است که هر انسانی بر عملش محاسبه می‌گردد (مگر اصحاب یمین) و اینها که از حساب مستثنی هستند عبارتند از: مقربان، که سیصد و سیزده یار یمانی اصحاب امام مهدی (ع) می‌باشند که بی حساب وارد بهشت می‌شوند. حق تعالی می‌فرماید: (اما اگر از مقربان باشد \* برای او است آسایش و روزی و بهشت پر نعمت) <sup>۲۶</sup>، (که در بهشت‌ها می‌پرسند \* از گناهکاران \* که چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ \* گویند: ما از نماز گزاران نبودیم)؛ یعنی ما از پیروان ولی خدا و خلیفه‌ی او و وصی امام مهدی (ع) و مهدی اول (یمانی موعود) <sup>۲۷</sup> نبودیم. پس در خصوص یمانی: (بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کند؛ هر کس چنین کند، اهل آتش (جهنم) است).

فحسبي الله ونعم الوكيل: لقد ابتلي أمير المؤمنين علي (ع) بمعاوية بن هند (لعنه الله)، وجاءه بقوم لا يفرقون بين الناقة والجمال، وقد ابتليت اليوم كما ابتلي أبي علي بن أبي طالب (ع)، ولكن بسبعين معاوية (لعنه الله)، ويتبعهم قوم لا يفرقون بين الناقة والجمال، والله المستعان على ما يصفون. والله ما أبقى رسول الله (ص)، وأبائي الأئمة (ع) شيئاً من أمري إلا بينوه، فوصفوني بدقة، وسموني، وبيئوا مسكني، فلم يبق لبس في أمري، ولا شبهة في حالي بعد هذا البيان، وأمرني أبين من شمس في رابعة النهار، وإني أول المهديين واليماني الموعود.

خداوند مرا بس است و او نیکو حمایتگری است: امیرالمؤمنین علی (ع) به معاویه بن هند (لعنه الله) مبتلا شد و آن ملعون با جماعتی که فرق بین ناقة و شتر را نمی‌دانستند سراغ آن حضرت آمد، و امروز من مانند پدرم علی بن ابی طالب (ع) گرفتار شده‌ام ولی به هفتاد معاویه (لعنه الله) با قومی که فرق میان ناقة و شتر را

<sup>۲۴</sup> - امام صادق (ع) می‌فرماید: «ایام الله (روزهای خدا) سه تا هستند: روز قیام قائم (ع)، روز بازگشت (رجعت) و روز قیامت». مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸.

<sup>۲۵</sup> - از امام صادق (ع) در تفسیر برخی آیات قرآنی: .... و درباره‌ی این سخن حق تعالی (وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ... لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ) فرمود: «روز پیش از خروج قائم؛ هر که بخواهد حق را قبول کند و به سوی او رود و هر که بخواهد از او بازایستد...». بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۲۵ و ۳۲۶.

<sup>۲۶</sup> - واقعه: ۸۸ و ۸۹.

<sup>۲۷</sup> - از محمد بن فضیل از ابو الحسن (ع) دوم: عرض کردم: (إِنَّهَا لِأَخَذِي الْكُبْرَى) (که این یکی از حادثه‌های بزرگ است). فرمود: «ولایت». عرض کردم: (نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ \* لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ) (ترساننده‌ای برای آدمیان است \* برای هر کس از شما که خواهد پیش افتد یا از پی رود). فرمود: «کسی که به سمت ولایت ما بیاید از آتش باز می‌ایستد و کسی که از ولایت ما بازایستد به سمت آتش می‌رود». (إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ) فرمود: «به خدا سوگند آنها شیعیان ما هستند». عرض کردم: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؟» (ما از نماز گزاران نبودیم؟). فرمود: «ما پیرو وصی محمد و اوصیای پس از او نبودیم...». کافی: ج ۱ ص ۴۳۲ ح ۹۱.

نمی‌دانند از آنها پیروی می‌کنند و خداوند کسی است که در این مورد باید از او یاری خواست. به خدا سوگند، پیامبر خدا (ص) و پدرانم ائمه (ع) چیزی از موضوع مرا باقی نگذاشته‌اند مگر آنکه آن را بیان نموده باشند: آنها مرا با بیان جزئیات توصیف کرده‌اند، مرا نام برده‌اند، محل سکونت‌م را مشخص ساخته‌اند؛ و پس از این بیانات، دیگر در موضوع من پوشیدگی، و در حالت و وضعیت من شک و شبهه‌ای باقی نمانده است. امر من از روز روشن هم واضح‌تر است: من اولین مهدیین و ایمانی موعود هستم.

\*\*\*

أحمدالحسن

وصي ورسول الإمام المهدي (ع)

۱۳ رجب ۱۴۲۶ هـ ق



تهیه و تنظیم:

صادق شکاری

ربیع الأول ۱۴۴۲ هـ ق

<https://ansaralmahdi.org>

<https://sadeghshekari.com>

<https://t.me/Sadeghansary>

<http://sadeghshekari.blog.ir>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

<https://almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)